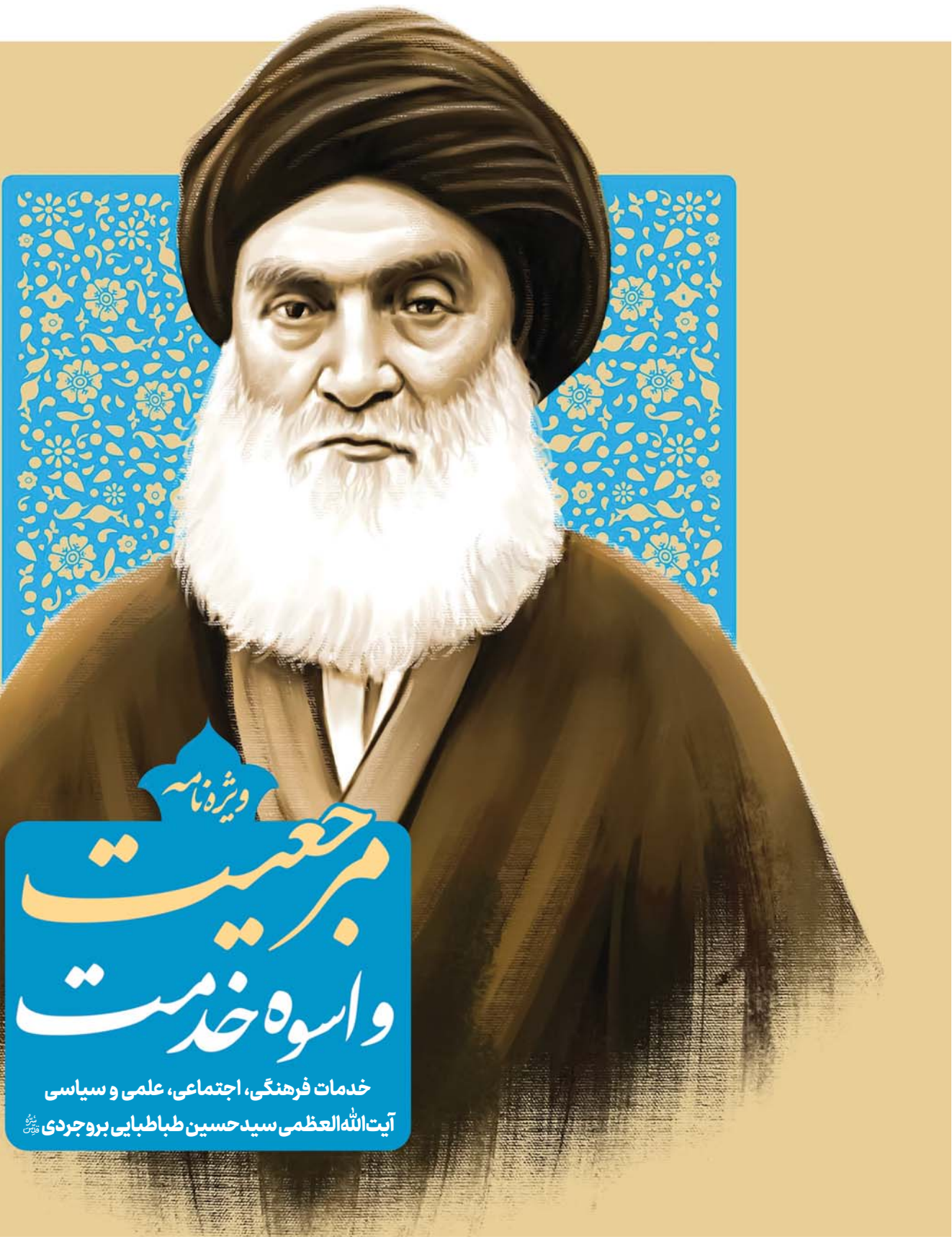


تأسیس بیش از هزار مدرسه، کتابخانه بیمارستان وامور عام المنفعه

در سپهر مذهب تشیع، ستارگان پرفروغی درخشیده‌اند که همچون دژِ مستحکم درخدمت به مردم، دیانت و ارزش‌های الهی در تاریخ هزارساله خود همواره پایبند به عهد و میثاق الهی در خدمت به خدا و خلق بوده‌اند و در این مسیر حتی چوبه دار و سختی‌ها را به جان خریده‌اند؛ ولی در خدمت به مردم و دیانت و ارزش‌های الهی کوتاه نیامدند. در میان عالمان عامل، از جمله کسانی که همچون خورشیدی فروزان پرتوافشانی می‌کند و آثار وجودی او سیراب‌کننده جان‌های مشتاق کسب علوم و معارف الهی است و در دوران زعامتش خدمات علمی، اجتماعی، سیاسی و عمرانی بسیار ارزنده‌ای برای ایران و جهان اسلام انجام داد و با رونق بخشیدن به حوزه علمیه قم و مقام مرجعیت، نام شعبه جعفری را در محافل علمی جهان اسلام پرآوازه ساخت، آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی [✍] می‌باشد.

به‌یقین، نام مردان بزرگی که همت بلند خود را برای تحقق فرمان الهی به‌کار گرفته‌اند، برای همیشه در لوح زرین تاریخ و انسانیت ماندگار خواهد بود.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی اجمالی و کوتاه به خدمات بسیار گسترده و غیر قابل احصای آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] در ایران و خارج از کشور می‌باشد که در ویژه‌نامه‌ای با عنوان «مرجعیت و اسوه خدمت» به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد ارتحال زعیم عالی‌قدر جهان تشیع، تقدیم خوانندگان ارجمند هفته‌نامه «افق حوزه» می‌گردد. امیدواریم با شناخت آن عالم وارسته و پیروی از زندگانی پرفروغ وی، راهی به سوی روشنایی‌های رستگاری بکشاییم.



آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] ولی فقیه تمام اختیارات پیامبر را داراست

آیت‌الله بروجردی [✍] اصل ولایت فقیه را از ضروریات اسلام می‌دانستند و معتقد بودند که ولی فقیه تمام قدرت و اختیارات پیامبر ﷺ را دارد و پیامبر اختیارات را از طریق بشری به دست نیاورده است؛ بلکه این شئونات، ریشه در عالم بالا دارد و ائمه معصومین علیهم‌السلام و به‌تبع آنها اولیای امور مسلمین هم، از این امتیازات و اختیارات برخوردارند؛ به‌طوری‌که ولی امر مسلمین اگر دستور تخریب خانه‌ای را که در مسیر خیابان است، صادر می‌کند یا در برابر دولت اصلاح‌گر سکوت می‌کند و اجازه می‌دهد، در حقیقت به مصلحت بالاتر چشم دوخته است.

• **آیت‌الله حاج شیخ‌علی‌پناه اشتهاردی**

آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] درباره ولایت فقیه می‌گوید: به نظر من اصل این سؤال درست نیست؛ زیرا مذهب شیعه بر پایه ولایت فقیه استوار است و امتیاز شیعه از دیگر مذاهب در همین امر است. تمام شکایات‌های ائمه علیهم‌السلام از دست حکام جور در این بود که آنان حق اعمال این ولایت را از ائمه علیهم‌السلام غصب نموده بودند.
بله آنچه بین فقهای شیعه مورد بحث است، تعمیم و تخصیص دایره این ولایت برای فقیه جامع‌الشرایط است که آیا تمام شئونات ائمه علیهم‌السلام برای فقیه هست یا نه؟ چون فقهای شیعه به‌خاطر نداشتن کمک مردمی و وجود سلطه مخالفین، در طول تاریخ نتوانستند، عملاً وارد صحنه اجتماع شوند و اعمال ولایت کنند، برخی سطحی‌اندیشان یا بداندیشان خیال کرده‌اند، موضوع ولایت فقیه اختلاهی است و حال آنکه چنین نیست. اصل مسئله جزء مذهب است؛ به‌طوری‌که اگر کسی معتقد نباشد، مذهب تشیع را انکار نموده است و باید با او بحث مذهبی کرد نه فقهی؛ مرحوم آیت‌الله بروجردی [✍] نه‌تنها معتقد به ولایت فقیه بود که وقتی به طرح مباحث اجتماعی اسلام می‌رسید، اعتراض خود را به وضع غیراسلامی حاکم بر جامعه نشان می‌داد و شایستگی احکام اسلام را برای پیاده شدن متذکر می‌شد.

به یاد دارم، ایشان در اواخر عمر شریفشان کتاب قضا را تدریس می‌فرمودند. روزی در سر درس فرمودند: من می‌دانم، فعلاً قضای اسلامی در جامعه جاری نمی‌شود؛ ولی هدفم از طرح مبحث قضا، این است که بفهمانم، موازین قضایی اسلام به‌مراتب عالی‌تر و محکم‌تر از قوانین قضایی است که از اروپا برای ما سوغات آورده‌اند.

• **آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی ^{رحمته‌الله‌علیه} در این‌باره می‌گوید:**

نظر آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] همانند امام معتقد بر ولایت مطلقه فقیه بود. شاهدِم این است که ایشان هنگام تأسیس مسجد اعظم ناچار شدند، حیاطی را که وضوخانه آستانه و در کنار آن بقعه‌هایی بود و در این بقعه‌ها قبرهایی وجود داشت، خراب کنند و جزء صحن مسجد اعظم قرار دهند. ایشان وضوخانه و بقعه را خراب کردند؛ البته بدون اینکه اصل قبرها را از بین ببرند، جزء مسجد اعظم قرار دادند. کسی به ایشان اعتراض می‌کند که حیاط مربوط به آستانه است و بقعه‌ها مربوط به دیگران، شما به چه مجوزی آنها را تصرف کردید؟ ایشان لبخندی می‌زنند و می‌فرمایند: معلوم می‌شود، این آقا هنوز ولایت فقیه، درست برایش جان‌یفناده است. معنای این سخن این است که فقیه، ولایت مطلقه دارد؛ کاری را که مصلحت ببیند، به حکم این ولایت انجام می‌دهد.

• **آیت‌الله‌العظمی حسین نوری همدانی در این‌باره می‌گوید:**

آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] در مسئله ولایت فقیه خیلی وسعت نظر داشتند. آن موقعی که صحن حضرت معصومه علیها‌السلام را برای ساختن مسجد اعظم پول می‌دادند و می‌خریدند، برخورد می‌شد با مقبره‌هایی که می‌بایست خراب بشوند و ضمیمه صحن شود که اینها خریدنی نبود یا ورثه مشخص نبود. آقای بروجردی دستور دادند که همه را خراب کنند. آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری ^{رحمته‌الله‌علیه} خدمت ایشان رسیدند و عرض کردند: شما برای فقیه چه سستی قائل هستید که دستور به هم زدن این ساختمان را می‌دهید؟ (البته بعضی از صاحبان‌شان را می‌شد پیدا کرد و پول داد و رضایت گرفت که همین کار را کردند؛ ولی بعضی از مقبره‌ها ممکن نبود که از صاحبانشان رضایت گرفت) ایشان در جواب فرمودند: ما فقیه را در قدرت و اختیار تالی تلو مقام امام معصوم علیه‌السلام می‌دانیم.

حوزه ش ۲۷ شهریور ۱۳۷۰

• **۱. تغییر رسم‌الخط فارسی**

نخستین مواجهه آیت‌الله بروجردی [✍] با رژیم پهلوی در حوزه فرهنگ در دوران پیش از زعامت حوزه، تغییر رسم‌الخط فارسی بود. بهانه شاه این بود که رسم‌الخط فارسی، در کتابت و چاپ موجب اشتباه می‌شود و سردرگمی خوانندگان و پژوهشگران را درپی خواهد داشت. به‌علاوه با زبان بین‌المللی (انگلیسی) تطابق ندارد؛ لذا فارسی زبان در فراگیری دانش‌های موجود در جهان غرب، به مشکل برمی‌خورد. بنا به تشخیص شاه و مشاوران وی، لازمه رفع این مشکل، تغییر رسم‌الخط فارسی بود.۱ آیت‌الله

بروجردی وقتی متوجه این امر شد، فرمود: «هدف اینان از تغییر خط، دورکردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا نزنده‌ام، اجازه نمی‌دهم این کار آراا عملی کنند، به هر جا که می‌خواهد، منتهی شود.» موضع سخت ایشان باعث شد که رضاشاه نتواند، در ایران به تقلید از همسایه ترک خود، خط را تغییردهد.

• **۲. ممانعت از رژه دختران**

آیت‌الله بروجردی [✍] در خصوص کشف حجاب، همپای سایر روحانیون به مقابله پرداخت. ایشان در یکی از ملاقات‌های خود با شاه، به او تذکر داد که مسائل اسلام را رعایت کند. آیت‌الله بروجردی پس از اینکه عکس‌هایی از خانواده محمدرضاشاه پهلوی را با لباس نامناسب مشاهده کرد، دیگر اجازه ملاقات با شاه را نداد و رابطه‌اش را قطع کرد.

موضوع دیگری که در دولت اقبال رخ داد، واقعه رژه دختران بود که با واکنش تند آیت‌الله بروجردی مواجه شد.

حقیقت ماجرا این بود که در زمان دولت دکتر متوجهر اقبال به‌مناسبت روز (اعلام بی‌حجابی) آزادی زن‌های ایرانی از قید اسارت، بخشنامه کرده بودند که در همان روز، یعنی روز ۱۷ دی، تمام دختران دبیرستانی مدارس باید با شورت و بلوز سفید رژه برند. وقتی این خبر به آیت‌الله بروجردی رسید، مصادف بود با آمدن فرماندار و رئیس شهربانی و شهردار قم به خدمت آقای بروجردی که با ایشان در مورد لوله‌کشی آب شهر قم بحث کنند که در این حین آیت‌الله بروجردی با عصبانیت فرمودند: «مملکت را برای این می‌خواهند که دختران مردم را به‌زور در این سرمای سرد به خیابان‌ها بکشانند و آن‌ها را آن‌طور نشان بدهند و بگویند: این‌ها از قید اسارت آزاد شده‌اند. چه اسارت و چه آزادی؟ بی‌پندوباری و این نحوه عمل‌ها آزادی و رهایی

شهر قم با ورود آیت‌الله‌العظمی بروجردی [✍] و نضج گرفتن ریاست دینی ایشان بر حوزه علمیه، جایگاه ویژه‌ای یافت و ضرورت ایجاد تحولات عمده فرهنگی و علمی در آن به‌طور خاصی احساس شد. با اقدامات آیت‌الله بروجردی چشم‌انداز فکری و فرهنگی شهر قم و حوزه متحول شد و بهبود زیادی در آن حاصل گردید. آیت‌الله بروجردی در حوزه مسائل فرهنگی در مواقع لزوم، به مخالفت با طرح‌های فرهنگی حکومت که مغایر با دین و ارزش‌های معنوی بود، می‌پرداخت و اصلاحات درخور توجهی را در زمینه‌های گوناگون به‌عمل آورد. در ادامه به نمونه‌هایی از این مقابله و مبارزه فرهنگی اشاره می‌شود.



از قید اسارت است؟ چرا دست بر نمی‌دارند؟ چرا این همه مردم را اذیت می‌کنند؟» ایشان افزودند: «این یکی در روز که چنین اعلانی شده است، آن‌قدر به‌وسیله تلغن و تلگراف و طومار به من مراجعه کرده‌اند که هر طور شده، جلو این کار گرفته شود و من نمی‌دانم، به چه کسی

بگویم. هیچ‌کس عمل نمی‌کند، همه دروغ می‌گویند. مملکت را برای مردم نمی‌خواهند، همه‌اش حرف است. برای این کارها می‌خواهند.» فرماندار و رئیس شهربانی گفتند: حضرت آیت‌الله! ما هر هفته باید خلاصه عملکرد خود را به مرکز گزارش دهیم، اجازه می‌دهید بگویم خدمت آقا رسیدیم و این‌طور عصبانی بودند و چنین سخنانی فرموده‌اند؟

شب آن روز یا شب بعد (شب ۱۷ دی) جراید نوشته‌اند: به‌واسطه سردی هوا، رژه دختران در خیابان‌ها در روز ۱۷ دی لغو شده است!

• **۳. مخالفت با تأسیس خانه زن**

شیاع شده بود که هسمر هویدا، نخست‌وزیر وقت، بهائی است. به‌همین سبب، آیت‌الله بروجردی از پذیرفتن هویدا برای ملاقات خودداری می‌کرد تا اینکه پس از تلاش‌های بسیار، ایشان با این دیدار موافقت کرد. یک روز پیش از ملاقات به آیت‌الله بروجردی خبر رسید که «به

چیز و هیچ کس را نمی‌کرد و تا آن مقدار قدرت داشت، اقدام می‌کرد. نمونه این مطلب، همین قضیه اصلاحات ارضی است. شخص شاه، لایحه اصلاحات ارضی را به مجلس داد و سپس راهی اهواز شد. وی دستور داده بود که مجلس در اسرع وقت، لایحه را به تصویب برساند و در بازگشت، تحویل وی شود.

همین که آیت‌الله بروجردی مطلع شدند، نامه‌ای به رئیس مجلس شورای ملی (سردار فخر) و نامه‌ای هم، برای آقای بهبهانی که پیگیر نامه ایشان به رئیس مجلس بود، به این‌صورت نوشتند: «شما در این رابطه مسئولیت دارید. پدر شما خون‌بهای مشروطیت ایران است. درباریان و مجلسیان باید از شما اطاعت کنند. شما در امور خلاف شرع باید حساس و فعال باشید».

نامه آیت‌الله بروجردی هنگام نواخته شدن زنگ مجلس به دست رئیس مجلس رسیده بود. رئیس برای نمایندگان، نامه را خوانده بود. مفاد نامه این بود که:

«از نمایندگان مسلمان جای تعجب است که در غیاب شاه، لایحه خلاف اسلامی را طرح کرده و در صدد تصویب آن هستند. این لایحه، خلاف اسلام و شریعت است. من تا زنده هستم، نخواهم گذاشت چنین خلاقی در این مملکت اجرا شود». این نامه باعث شد، لایحه مسکوت بماند. شاه در پاسخ اعتراض آیت‌الله بروجردی نامه‌ای به این مضمون نوشت: «اصلاحات ارضی، در ممالک اسلامی هم انجام گرفته است. مانند ترکیه، پاکستان و ... مصالح کشور را باید رعایت نمود، نه خواسته‌های عده‌ای مال‌پرست را ... ما دستور دادیم، قانون اصلاحات ارضی، مثل سایر ممالک اسلامی اجرا شود.»

آیت‌الله بروجردی، نامه شاه را چنین جواب دادند: شما که می‌گویید در ممالک دیگر اسلامی، قانون اصلاحات اجرا شده است، در آن جاها اول راجع به حاکم فکر کرده‌اند، دوم این سلطنت را کنار گذاشتند و جمهوری کردند. آن ممالک، اول جمهوری شدند، بعد اصلاحات ارضی اجرا شد.

این موضع‌گیری آیت‌الله بروجردی موجب شد که شاه تا زمان حیات ایشان، مسئله اصلاحات ارضی را متوقف کند. این نبود جز ترس از آیت‌الله‌العظمی بروجردی. بعد از رحلت ایشان بود که شاه اصلاحات ارضی را اجرا کرد.